



Analyzing the pattern of progress in Jihadsazandegi: with an emphasis on Ostrom's institutional analysis framework

Reyhaneh Naderinejad<sup>\*1</sup> | Zahra Abolhasani<sup>2</sup> | Sedigheh Ramezani Tamijani<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Faculty Member, Institute for Strategic Studies, Tehran, Iran.  
Email: [r.naderinejad@gmail.com](mailto:r.naderinejad@gmail.com)
2. Assistant Professor, Faculty Member, Institute for Technological Studies, Tehran, Iran.  
Email: [zh.abolhasani@gmail.com](mailto:zh.abolhasani@gmail.com)
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.  
Email: [se.ramezani@atu.ac.ir](mailto:se.ramezani@atu.ac.ir)

Volume info

Vol. 33  
Series: 3  
Autumn 2025

Article Type

Research Paper

Article History

Received:  
31 December 2023

Revised:  
07 December 2024

Accepted:  
20 February 2026

Published:  
24 February 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2251-6980  
E-ISSN: 2645-5234



Abstract

This study aims to explore non-static, Indigenous and how-to indicators in the successful experience of the organization of Jihadsazandegi. The research method is qualitative. Documentary and library studies were used to collect the necessary data. The Ostrom's institutional analysis model was used to analyze the findings based on four characteristics of actors, institutions, society and services. The research findings include a set of components related to the organization of constructive jihad that can be used in the field of its development and progress, including: indicators of changing common Iranian-Islamic social rationality, the ability of the power elite and the alignment of official and informal Iranian-Islamic institutions. The first indicator of changing social rationality from utilitarianism to critical value orientation emphasizes social rationality instead of visual and instrumental rationality and has normative, political and moral tensions. The second indicator is a change in the ability of the power elite. The awareness and knowledge of the political elite in choosing the right model of progress in an opportunity for change, along with the ability to consensus, forms the components and elements of this indicator. The third indicator is the alignment of formal and informal institutions. Formal social institutions need to align with informal institutions in the belief of the political elite and the people and the cultural heritage of that society to achieve them.

**Keywords:** Jihadist organization, the model of Indigenous progress, jihadsazandegi, social innovations, the model of institutional analysis.

**Cite this Paper:** Naderinejad'R, Abolhasani'Z & Ramezani Tamijani'S. (2026). Analyzing the pattern of progress in Jihadsazandegi: with an emphasis on Ostrom's institutional analysis framework. *Journal of Islamic Management*. 33(3), 75-108



**Publisher:**  
Imam Hossein University.

©  
The Author(s).





## واکاوی الگوی پیشرفت حاکم بر جهاد سازندگی: با تأکید بر چارچوب تحلیل نهادی استروم

ریحانه نادری نژاد<sup>۱\*</sup> | زهرا ابوالحسنی<sup>۲</sup> | صدیقه رضانی تمیجانی<sup>۳</sup>

۱. استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران  
Email: [r.naderinejad@gmail.com](mailto:r.naderinejad@gmail.com)
۲. استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران  
Email: [zh.abolhasani@gmail.com](mailto:zh.abolhasani@gmail.com)
۳. استادیار، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
Email: [se.ramezani@atu.ac.ir](mailto:se.ramezani@atu.ac.ir)

### چکیده

این پژوهش باهدف واکاوی شاخصه‌هایی غیر ایستا، بومی و مبتنی بر چگونگی، در تجربه‌ی موفق نهاد انقلابی جهاد سازندگی صورت گرفته است. روش پژوهش کیفی است. برای جمع‌آوری داده‌های لازم از روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد. برای تحلیل یافته‌ها از مدل تحلیل نهادی استروم استفاده شد که بر مبنای چهار ویژگی بازیگران، نهاد، جامعه و خدمات به تحلیل یافته‌ها پرداخته شد. یافته‌های پژوهش شامل مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مربوط به نهاد جهاد سازندگی است که در زمینه توسعه و پیشرفت آن قابل استفاده است و شامل: شاخصه‌های تغییر عقلانیت اجتماعی مشترک ایرانی-اسلامی، توانمندی نخبگان قدرت و همسوئی نهادهای رسمی و غیررسمی ایرانی-اسلامی است. شاخص اول مربوط به تغییر عقلانیت اجتماعی از فایده‌گرایی به جهت‌گیری ارزشی انتقادی بر عقلانیت اجتماعی به‌جای عقلانیت صوری و ابزاری تأکید دارد و دارای کنش‌های هنجاری، سیاسی و اخلاقی است. شاخص دوم تغییر در توانایی نخبگان قدرت است. آگاهی و دانش نخبگان سیاسی در انتخاب الگوی مناسب پیشرفت در فرصتی برای تغییر، همراه با توانایی اجماع، مؤلفه‌ها و عناصر این شاخص را تشکیل می‌دهد. سومین شاخص همسوئی نهادهای رسمی و غیررسمی است. نهادهای اجتماعی رسمی برای تحقق، نیازمند همسوئی با نهادهای غیررسمی در باور نخبگان سیاسی و مردم و میراث فرهنگی آن جامعه هستند.

کلیدواژه‌ها: سازمان جهادی، الگوی پیشرفت بومی، جهاد سازندگی، نوآوری‌های اجتماعی، مدل تحلیل نهادی.

سال و شماره

سال ۳۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱  
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



**استناد:** نادری نژاد، ریحانه؛ ابوالحسنی، زهرا؛ رضانی تمیجانی، صدیقه (۱۴۰۵). واکاوی الگوی پیشرفت حاکم بر جهاد سازندگی: با تأکید بر چارچوب تحلیل نهادی استروم؛ مدیریت اسلامی؛ ۳۳(۳)؛ ۱۰۸-۷۵.

©  
نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

## مقدمه و بیان مسئله

دانش نظری و تجربه‌های عملی دنیا در دو سده‌ی اخیر آشکارا ثابت کرده، دستیابی به خیر، رفاه و سعادت تنها یک مسیر ندارد. ماهیت تاریخی و پویای انسان و جامعه الزام بر محتوا و فرم‌های تاریخ، پویا و منحصربه‌فرد دارد. روند تغییر نظریه‌های توسعه در جوامع در حال توسعه و متفکران آزادن‌دیش نیز مؤید اهمیت این مسئله و تلاش برای عبور از آن است. در این رویکرد‌ها پذیرفته‌شده است که نظریه‌پردازی جوامع در پیوست با تحولات و تجربیات تاریخی آن‌ها صورت‌پذیر خواهد بود.

اما آنچه بیشتر در کشور ایران در هر سه حوزه طرح، نقد و ارزیابی ملاک عمل قرار می‌گیرد، استفاده از شاخص‌های اقتباسی است. اقتباس به‌عنوان اولین و ساده‌ترین راهی است که از زمان نظریه‌های توسعه نو سازی و فرآیند تعدد آن‌گلو ساکسونی مطرح شده است. انفعال و سردرگمی حکمرانی برای انتخاب سیاست‌های متناسب با وضعیت کشور تا حد زیادی نتیجه در دستور قرار گرفتن معیارها و شاخص‌های اقتباسی است. لذا مسیر مطلوب یا همان الگوی توسعه هر کشور باید با لحاظ تاریخ فکر، رفتار و فرهنگ آن بنا شود. به عبارتی مبتنی بر بنیان‌های فکری و فلسفی خاص آن و معطوف بر رفتارهایی که بر اساس باورها و ارزش‌های مشخص شکل گرفته‌اند. از این زاویه استفاده از ذخیره دانش و تجربه هر کشور برای معیار سازی انبانی پربها است که تمسک به آن‌ها می‌تواند از آزمون و خطاهای تاریخی در یک کشور بکاهد. تجربه موفق جهاد سازندگی جمهوری اسلامی ایران از جمله آن ذخایر ارزشمند است. هرچند به اعتقاد برخی جهاد سازندگی در ابتدا سازمان متعارف علم مدیریت نبوده اما در عمده مطالعات از این مجموعه به عنوان سازمان نام برده شده لذا در این پژوهش جهاد سازندگی هم سازمان و هم نهاد خطاب شده است. در این مجال تجربه آن سازمان از منظر واکاوی الگوی پیشرفت در چارچوب تحلیل نهادی مورد پژوهش قرار خواهد گرفت. نوآوری پژوهش در آن است که در مدل تحلیل نهادی استروم ویژگی‌های جهاد خواهد جدید مطرح می‌شود. تعیین این ابعاد کمک می‌کند تا مفاهیم انتزاعی یا صرفاً توصیفی در مسیر رسیدن به شاخص‌های عینی و مشخص فرآیندی از نردبان انتزاع پایین بیاید.

طبق آنچه ذکر شد بازنگری در الگوی پیشرفت و توسعه بر دو محور اساسی: چارچوب و مبنای فکری و فلسفی اسلامی و ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بومی (متوسلی، سیف و مهاجرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) ضرورت دارد. در چارچوب رویکرد نهادی تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی متکی بر آگاهی، اندیشه و فهم است. از نظر نورث «تغییر اقتصادی یک فرآیند است... و کلید تغییر تکامل انسان، هدفمندی بازیگران است... تغییر اقتصادی غالباً یک فرآیند آگاهانه است که توسط برداشت‌های بازیگران درباره پیامدهای اقداماتشان شکل می‌گیرد. برداشت‌ها برگرفته از باورهای بازیگران است، باورهایی که نوعاً با ترجیحات آن‌ها تناسب دارد» (نورث، ۲۰۰۵: ۷۳). نورث کلید فهم فرآیند تغییر را هدفمندی بازیگران قادر به اعمال تغییرات نهادی مطابق فهم خودشان از موضوعات بیان می‌کند. وی استعاره نخبگان قدرت یا فراستان را برای توضیح در مورد این بازیگران مطرح کرده است. به عبارتی اولویت رتبه‌ای برای تغییر باورهای این دسته از بازیگران قائل شده است؛ اما اساس تغییر همچنان بر محور باورها است. «باورها، کلید ایجاد شالوده‌ای برای درک فرآیند تغییر اقتصادی می‌باشند، هم باورهایی که توسط افراد حفظ می‌شوند و هم باورهایی که نظام‌های عقیدتی را شکل می‌دهند» (نورث، ۲۰۰۵: ۸۳). در اینجا است که دین و فرهنگ در برخی جوامع از جمله ایران می‌تواند به عنوان قوی‌ترین نهاد حاکم بر رفتار و کنش افراد جامعه مورد استفاده قرار بگیرد. دین و آنچه به عنوان روحیات انقلابی در بین نخبگان قدرت قبل از انقلاب وجود داشت و با پیروزی انقلاب امکان اعمال حداکثری آن فراهم شد، مبتنی بر حذف ویژه خواری، فساد، نفع‌طلبی فردی، پنهان‌کاری و... بود. ما به ازای آن ایجاد شفافیت، حذف رانت‌ها، ترجیح منافع ملی و حاکمیت قانون، صداقت و اعتماد دولت و ملت و... رخ داد. این مقاله توضیح چگونگی این فرآیند است. اینکه تغییرات بر سازه‌های ذهنی عموم مردم مؤثر واقع گشت. هرچند تغییر باورهای مردم تا سطحی به موازات تغییر نخبگان قدرت بود اما به هر حال تغییر نظم جدید ملی را حاکم کرد. نهادهای رسمی ساخته شده در این وضع چه در غالب سازمان‌ها چه در غالب قواعد و قوانین و ترتیبات اجتماعی با ماهیتی کاهش‌دهنده نابرابری، کاهش‌دهنده فقر، جبران‌کننده عقب‌ماندگی‌ها و عامل ارتقا و اعتلا و پیشرفت قرار گرفتند. کلید موفقیت تغییر به لحاظ چگونگی امکان تحقق همسویی نهادهای غیررسمی و نهادهای رسمی؛ و به لحاظ سمت‌وسوی تغییر ماهیت این دو گونه نهاد بود.

استقلال، آزادی، ترجیح منافع جمعی، عدالت محوری، فقر ستیزی، ولایت مداری،... بستر نهادهای غیررسمی بود که در نخبگان سیاسی و بهره داران از قدرت نیز وجود داشت، و باعث خلق نهادهای رسمی از جمله جهاد سازندگی در همین چارچوب شد. در نتیجه جهاد از دل این مناسبات نهادی غیررسمی زاده شد با خصایصی چون خلاقیت و نوآوری، غلبه بر بروکراسی، قدرت انعطاف، پاسخگویی به نیاز، خودکفایی راهبردی،... بود. البته فرآیند تغییرات نهادهای غیررسمی شامل سازه‌های ذهنی، باورها و انگیزه‌ها در شرایط غیرانقلابی روندی بلندمدت است. لذا با تعریف و اجماع بر یک شاخص در سطح فرهنگ باید برنامه‌های بلندمدت متمرکز بر آن را در پیش گرفت. نهایتاً در چارچوب نظری مقاله پیشرفت متکی بر تدبیر امور و حکمرانی اجتماعات محلی، غیرمتمرکز و برآمده از تعاملات اجتماعی در دل یک فرآیند یادگیری اجتماعی است. این رویکرد به شدت بین‌رشته‌ای است. منظور اصلی در این کار درک علت‌ها و دلایل نهادی است که نشان دهد ویژگی‌های جهاد سازندگی در دوره اول حیات خود مثل سازمان جهادی، مدیریت جهادی و فرهنگ جهادی چگونه و با چه مکانیسمی و طی چه فرآیندی عمل کردند که متضمن موفقیت این سازمان به‌عنوان الگویی از پیشرفت گردید و از این رهگذر شاخص‌هایی برای چگونگی تحقق امر پیشرفت برای امروز و آینده ایران استخراج کند. ضرورت و اهمیت پژوهش در مواردی شامل: همگرایی معیارهای سنجش با اهداف انقلاب اسلامی، اهمیت و ضرورت تاریخ برای توسعه و پیشرفت، اهمیت و ضرورت پرداختن به چگونگی، جایگاه مطالعات موردی در اندیشه توسعه و استثنایی بودن تجربه جهاد سازندگی است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای تحلیل یافته‌های به‌دست آمده بر اساس مدل تحلیل نهادی استروم از روش تحلیل نهادی استفاده شد.

مدل پیشنهادی، تحلیل نهادی (IAD)<sup>۱</sup> (استروم<sup>۲</sup>، ۱۳۹۴) است که در مطالعات موردی نگاه جامعی را دارد. بر این اساس در هر موقعیت خاص، متغیرهای کلیدی در تجربه و تحلیل نظام‌مند

۱. Institutional Analysis and Development

۲. الینور استروم برندهٔ جایزه نوبل اقتصادی در سال ۲۰۰۹، مبدع این روش و سرشناس‌ترین فردی است که بر این چارچوب

ساختار موقعیت‌های پیش روی افراد شناسایی شده و چگونگی تأثیر و تأثر قواعد، ماهیت حوادث و اجتماعی در طول زمان فهم می‌شود (متوسلی، بیگی هرچگانی و فرمینی فراهانی، ۱۳۹۸: ۱۴). بنیاد اصلی برای توصیف کنش جمعی، عقلانیت محدود و رفتار اجتماعی هنجار مبنای است (استروم، ۲۰۰۷). نسبت هنجارمندی، عقلانیت و رفتار به دلیل رابطه متقابل میان ذهن و نهاد است که کنش انسانی در همین ارتباط قابل فهم می‌گردد (متوسلی و رستمیان: ۱۳۹۶). انتخاب افراد و حل مسئله اجتماعی یا به عبارت دیگر فرآیند یادگیری از طریق کنش از همین جا به تئوری نهادها پیوند می‌خورد. نقطه آغازین فرآیند شناخت و یادگیری، عینیت است؛ عینیت به ذهنیت تبدیل می‌شود: ایده‌ها از درون کنش‌ها می‌جوشند و چون به قامت کنش درآمدند، راه‌حل‌ها تولید می‌شوند و مسائل و چالش‌های جدید را با خود می‌آورند (متوسلی، بیگی هرچگانی و فرمینی فراهانی، ۱۳۹۸: ۲۴). به‌طور کلی این مدل از چهار زاویه به نقش نهادها می‌نگرد که عبارت‌اند از ۱- ویژگی بازیگران، ۲- ویژگی نهاد، ۳- ویژگی کالا یا خدمات عمومی و ۴- ویژگی‌های جامعه مورد بررسی (استروم، ۱۳۹۴). محقق بر حسب موضوع تحقیق خود و متغیرهای اصلی که در پژوهش خود معرفی می‌کند می‌تواند یکی از ویژگی‌های مذکور را بزرگ‌نمایی کند و با جزئیات بیشتری به تحلیل آن بپردازد، اما در کنار آن سایر ویژگی‌ها را نیز در حد نیاز در پژوهش خود لحاظ کند. این قابلیت ارزشمند چارچوب تحلیل نهادی است که ضمن حفظ کردن جامعیت، آزادی عمل را نیز از محقق نگرفته است. این مدل به واسطه توجه به نوع جدیدی از کالا یعنی کالای مشاع، توجه به زمینه‌های ارزشی و ساختاری قابلیت بیشتری در تبیین نحوه چگونگی عملکرد جهاد سازندگی دارد. ابعاد روشی مدل استروم بیش از همه در کتاب تنوع نهادی (۱۳۹۵) مطرح شده است. مدل استروم و ابعادی که در مدل تحلیل نهادی در نظر می‌گیرد مناسب مطلوبی با آنچه در مطالعه تاریخ جهاد سازندگی به دست آمد رانسان داد. بنیان‌های فلسفی استروم شامل نگرشی چندمرکزی، عقلانیت محدود و توانایی خودسازمان‌دهی است. این مجموعه به ساختاری از تدبیر امور می‌انجامد که الزاماً یک کنش جمعی دموکراتیک، پایین به بالا، غیرمتمرکز و اجتماعی ساخته شده است که محتوای آن را فرآیندی نظام‌مند از توانایی حل اجتماعی مسائل، یادگیری و خلاقیت شکل می‌دهند که همانا فضای کنش متقابل اجتماعی، بسط سرمایه‌های اجتماعی است.

متمرکز است.

منابع پژوهش به سه دسته منابع تحلیلی، منابع روایی و خاطرات و گزارش‌ها تقسیم می‌شوند. منابع تحلیلی شامل کتب، مقالات و رساله‌های دکتری هستند که این تجربه ارزشمند را از زوایای مختلف و با رویکرد علمی مورد مطالعه قرار داده‌اند. منابع دوم یعنی روایت‌ها و خاطره‌ها طیف گسترده‌ای که لزوماً از منظر علمی تبعیت نکرده بودند. گزارش‌ها نیز حجم کمتری از کارها را شامل می‌شوند که بر اساس آنچه در کتابخانه و مرکز اسناد ملی وجود داشت احصا شدند.

در مطالعه‌ای که توسط ایروانی (۱۳۷۷) صورت گرفته شده است، جهاد سازندگی را دارای ویژگی‌های نهادی دانسته و ده ویژگی را به آن نسبت می‌دهد؛ که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: ولایت محوری، استمرار، ارزش‌مداری، خودمحوری، مردم‌گرایی، دین‌محوری، انعطاف‌پذیری، فرهنگ خاص سازمانی، نوآوری، پویایی. نتایج پژوهشی که توسط رفیع پور (۱۳۷۲) صورت گرفته شده حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل مؤثر بر روی گرایش، رفتار شخص جهادگر بود. سازمان جهاد و شرایط اجتماعی-فرهنگی در درجات بعدی قرار داشتند. مطالعه که توسط حسینی و آشتیانی (۱۳۹۵) صورت گرفته شده شامل مباحثی همچون بسترها و روند شکل‌گیری جهاد سازندگی است. مشایخی، حسینی و جعفری (۱۳۹۹) تجربه‌های کار جمعی را به تصویر کشیده‌اند، در یازده فصل بیانگر روایت‌های حسینعلی عظیمی است. مطالعه قافله‌باشی و همکاران (۱۳۹۹) در مجموعه کتابی به چاپ رسیده مدعی است در محیطی به نام جهاد سازندگی، بال انقلابی پیشرفت و سازندگی کشور پا گرفت، رشد کرد و البته به دلیل منافع فردی و گروهی در مقابل نظام دیوان‌سالار کشور بر زمین کوبیده شد. پژوهش دیگر لوب (۲۰۱۶) برای شناسایی مولفه‌های جهاد سازندگی، حضور بین‌المللی این نهاد و فعالیت‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در آفریقا بین دهه ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ انجام شده. با استفاده از اسناد آرشیوی و مصاحبه به مطالعه جهاد به‌عنوان سازمان توسعه روستایی ایران در آفریقا می‌پردازد. مطالعه لوب (۲۰۱۸) با عنوان جهاد سازندگی: دولت‌سازی و توسعه در ایران و سرزمین‌های شیعه لبنان صورت گرفته شده. چارچوب نظری کار اتنوگرافی یا مردم‌نگاری است که با روش مشاهده، مصاحبه و داده‌های آرشیوی انجام شده است. در نتیجه‌گیری بیان می‌کند در این دو سازمان ویژگی‌های مشابه ایمان و عناصر مشارکتی را مشترک داشته و اشاعه ارزش‌های انقلابی، هویت ملی و مدنی را در سراسر روستاها تقویت

کرده‌اند. کتاب لاب (۲۰۲۰) توسط انتشارات کمبریج بانام جهاد سازندگی ایران؛ توسعه روستایی و تحکیم حاکمیت بعد از ۱۹۷۹ منتشر شد. تعریف جهاد سازندگی به‌عنوان استراتژی‌های غیر خشونت‌آمیز برای تحکیم قدرت داخلی و نفوذ خارجی آغاز کرده است اما محتوا منطبق بر رساله می‌باشد که در شماره قبل توضیح داده شد. الگوی شکل‌گیری نوآوری در جهاد سازندگی توسط روح‌اللهی و همکاران (۱۳۹۷) با ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه، ۲۳ مضمون سازمان‌دهنده به دست آورده که در قالب پنج مؤلفه اساسی الگوی شکل‌گیری نوآوری را در این نهاد اجتماعی تشریح می‌کند. ظهوریان ابوترابی (۱۳۹۷) در مقاله کشف الگوی مدیریت نیروهای داوطلب مردمی در جهاد سازندگی مقوله‌های مشارکت و همکاری، مردمی بودن، محوریت ارزش‌های دینی، ... را استخراج می‌کند. مطالعه منطقی (۱۳۹۶) با عنوان نقش الگوی جهادی در عمیق ریشه‌های هویتی جوانان صورت گرفته شده است که استخراج مقوله‌هایی از اظهارنظر دانشجویان به تصاویر ارائه شده از دستاوردهای جهاد سازندگی شامل: احساس خودباوری، احساس غرور ملی، تغییر نگرش، ... است. در پژوهش شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی جهادی با تکیه بر تجربه مدیران جهاد سازندگی توسط ظهوریان ابوترابی و همکاران (۱۳۹۶) محقق معتقد است مهم‌ترین دستاورد جهاد سازندگی، تولید تجربه موفق الگوی بومی است. مقوله‌های ارزش‌های دینی، رهبری همدلی و اعتماد عناصری هستند که عناصر دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دانائی فرد و همکاران (۱۳۹۴) مؤلفه‌های سازمان‌های فضیلت محور و جهادی را مبتنی بر دو مورد کمیته‌های انقلاب و جهاد سازندگی و با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی کردند. در سال ۱۳۹۳ پژوهشی توسط قائد علی و عاشوری (۱۳۹۳) با عنوان مدیریت جهادی شیوه‌ای تحقق‌یافته از مدیریت اسلامی صورت گرفته شده است. هسته مرکزی ارزش‌های جهادگران جهاد سازندگی را گزاره‌های «خدمت به خلق خدا»، «کار برای رضای خدا»، «تلاش در رفع تنگناهای ایجاد شده به وسیله تجاوز دشمنان» تشکیل می‌دهد. در مطالعه فرهنگ سازمانی حاصل از مدیریت جهادی توسط قائد علی و مشرف جوادی (۱۳۹۳) محققان معتقدند فرهنگ جهادی یک نوع فرهنگ سازمانی است که در آن کار عبادت محسوب می‌شود و عناصر فرهنگ جهادی را مهم می‌داند. پژوهش دیگری توسط این دو با عنوان بررسی ویژگی‌های جهادگران در قالب مؤلفه‌های هوش معنوی (قائد علی و جوادی، ۱۳۹۳) می‌گوید ویژگی جهادگران با آنچه به نام هوش معنوی در ادبیات علمی جهان

مطرح است، قرابت‌های بسیاری دارد. درعین حال انگیزه جهادگری به شدت مبتنی بر باورهای توحیدی جهادگران بوده و فرهنگ جهادی به مثابه فرهنگی موجد ارزش‌های اصیل اسلامی و رشد دهنده انسانی است. پژوهش حقیقی (۱۳۸۸) با عنوان بررسی تشکیل جهاد سازندگی و مدیریت جهادی در تقویت و توسعه اجتماعی و مشارکت مردمی می‌پردازد. اعتماد تعمیم‌یافته نکته کلیدی در بحث سرمایه اجتماعی است. لذا مدیریت هوشمندانه و عدالت اجتماعی به شاخص‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی جهادگران به خوبی ضرورت تقویت فرهنگ جهادی معطوف به فقرزدایی و محرومیت‌زدایی را توجیه می‌کند. پژوهشی با عنوان بررسی علل تأثیرپذیری فرهنگ و مدیریت جهادی از نظام بروکراسی توسط فرهادی و دهمکاران (۱۳۸۸) صورت گرفته شده است که به نظر نویسنده جهاد از بطن انقلاب اسلامی به وجود آمد و بر این مبنا دین‌مداری و تفکر مذهبی با ماهیت جهاد عجین و باعث ایجاد فرهنگ سازمانی نوینی به نام «فرهنگ جهادی» گردیده است. پژوهشی در سال ۱۳۸۸ با عنوان ارائه مدلی مفهومی برای بازشناسی جهاد سازندگی به عنوان الگوی عملی یک سازمان اخلاقی توسط صدرالسادات (۱۳۸۸) مدعی است جهاد سازندگی موفق بوده که با کسب درجه بالایی از اعتماد در بین مردم از مشخصه‌های یک سازمان اخلاقی برخوردار باشد. مقاله بررسی نقش جهاد سازندگی در توسعه روستایی توسط شکوری (۱۳۸۶) با توجه به دو کارکرد جهاد یعنی توسعه‌ای و تحکیم نظام، استدلال می‌کند که هرچند جهاد در تحقق اهداف اولیه‌اش مانند توسعه روستایی، محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی کشور اما در کاهش شکاف شهر و روستا کاملاً موفق نبود. خلقانی و ابراهیم پور (۱۳۸۶) در مقاله نگرش نهادی-هنجاری به جهاد سازندگی ۳ جهت‌گیری عمده کار به مثابه عبادت، سرزمین‌گرایی و منطقه‌گرایی و توسعه جامع و هماهنگی را مطرح می‌کند. پژوهش تبیین ویژگی‌های مدیریت جهادی توسط موحد (۱۳۸۶) حاکی از آن است که خصوصیت مدیر جهادی برخاسته از مکتب و مفاهیم اعتقادی او است. دو کتاب در حوزه مدیریت به رویکرد سازمان‌یادگیرنده (قادرمرزی و دیگران، ۲۰۱۹) و سازمان هوشمند (افتخاری و الله یاری، ۲۰۱۵) پرداخته‌اند که ورود جدیدی به مباحث مدیریتی در جهاد سازندگی بشمار می‌رود.

در گروه دوم از منابع مجموعه خاطرات بازنشستگان سازمان جهاد سازندگی استان خراسان توسط جهاد کشاورزی خراسان جنوبی (۱۳۸۶) انجام شده که شامل خاطرات بیش از ۵۰ نفر از

بازنشستگان سازمان جهاد سازندگی است که به تدوین و عرضه رسیده است که به برخی از واقعیت‌های جهاد سازندگی اشاره نموده است. از این دست کتب که جنبه تاریخ‌نگاری دارد کتاب‌های دیگری مثل تاریخ و فرهنگ جهاد سازندگی استان همدان ۱۳۵۸-۱۳۶۳ (آرام، ۱۳۸۲)، مجموعه ۹ جلدی سنگر سازان (جهاد کشاورزی خراسان رضوی، ۱۳۹۵) و مجموعه سنگر سازان بی‌سنگر را می‌توان نام برد. این مجموعه کتاب‌ها در استان‌های مختلف تولید می‌شوند و درباره نقش و فعالیت جهادگران در جبهه‌های جنگ تحمیلی است. از جمله (دعایی، ۱۳۹۷) بانام فرعی اسطوره‌های ماندگار؛ نجفی (۱۳۹۴) بانام فرعی خاطراتی از جهادگران در جنگ؛ وطنی (۱۳۹۴) بانام فرعی عملکرد و فعالیت‌های «گردان مهندسی رزمی ۱۵ ولی عصر پشیمان» جنگ جهاد سازندگی استان سمنان» در هشت سال دفاع مقدس. شماره‌های ۸ تا ۱۶ مجموعه سنگر سازان بی‌سنگر را مرتضی نریمانی (۱۳۸۰) و (۱۳۸۲) روایت کرده است.

در دسته سوم منابع، گزارش مجموعه سخنرانی‌های وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۳) دربردارنده این مطالب است: با تغییر دولت در سال ۱۳۶۸ و رویکرد دولت هاشمی به اجرای برنامه تعدیل ساختاری بنا بر کوچک‌سازی، خصوصی‌سازی و مقررات زدایی. اصلاح ساختار اداری در این چارچوب در وزارتخانه‌های مختلف باید انجام شود. ستاد واگذاری در سال ۱۳۷۰ تشکیل شد و ستاد تحول اداری در جهاد سازندگی نیز در زمستان ۱۳۷۱ تشکیل گردید چراکه روابط مبتنی بر اعتماد کافی نیست و باید به محدودیت‌های بوروکراسی تن دهند. در مجموعه دیگری که توسط وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۷) منتشر شده است شامل مجموعه سخنرانی‌های مدیران ارشد جهاد سازندگی است به این موضوع اشاره شده است. جهاد سازندگی (بی‌تا) که در قالب آمار، نمودار و اطلاعات در قالب گزارش در مورد فعالیت‌های مهندسی رزمی و بهداشتی و درمانی جهاد در دوران جنگ پرداخته است.

جدول ۱. منابع مرور شده در پژوهش

منابع مرور شده	دسته‌بندی
ایروانی (۱۳۷۷) رفیع پور (۱۳۷۲) آشتیانی و حسنی (۱۳۹۵) مشایخی و جعفری (۱۳۹۹) قافله باشی و دیگران (۱۳۹۹) لاب (۲۰۱۶؛ ۲۰۱۸؛ ۲۰۲۰) روح‌اللهی و همکاران (۱۳۹۷) ظهوریان ابو ترابی (۱۳۹۷) منطقی (۱۳۹۶) ظهوریان ابو ترابی و همکاران (۱۳۹۶) دانائی	منابع تحلیلی

منابع مرور شده	دسته‌بندی
فرد و همکاران (۱۳۹۴) قائد علی و عاشوری (۱۳۹۳) قائد علی و مشرف جوادی (۱۳۹۳) حقیقی (۱۳۸۸) فرهادی و همکاران (۱۳۸۸) صدرالسادات (۱۳۸۸) شکوری (۱۳۸۶) خلقانی و ابراهیم پور (۱۳۸۶) موحد (۱۳۸۶) قادرمرزی و دیگران (۲۰۱۹) افتخاری و الله یاری (۲۰۱۵)	
جها (جهاد کشاورزی خراسان رضوی، ۱۳۸۵) جهاد کشاورزی خراسان جنوبی (۱۳۸۶) آرام (۱۳۸۲) دعایی (۱۳۹۷) نجفی (۱۳۹۴) وطنی (۱۳۹۴) نریمانی (۱۳۸۰) و (۱۳۸۲)	روایت و خاطره
وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۳) وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۷) جهاد سازندگی (بی‌تا)	گزارش‌ها

در همه منابعی که به تجربه جهاد سازندگی پرداخته‌اند خصلت الگویی آن اشاره شده است که پژوهش حاضر از این نظر با سایر پژوهش‌ها همسویی دارد. البته منتقدین این نظر خصوصاً بروکرات‌ها، جهاد سازندگی را فاقد وجوه سازمانی و الگویی می‌دانستند و این مسئله را از همان دهه شصت و خصوصاً با آغاز دوران اجرای تعدیل ساختاری و در فرآیند تحول ساختاری اداری این سازمان در اوایل دهه هفتاد مطرح می‌کردند (بنگرید به وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۳). لذا مشخص است که چرا اولین مطالعات پژوهشی جدی مربوط به جهاد سازندگی به دنبال بررسی ویژگی نهاد بودن در جهاد سازندگی است (ایروانی، ۱۳۷۷). ویژگی مشترک دوم خصلت نهادی آن است. البته که نهاد و سازمان بودن با تحلیل نهادی در چارچوب نظریات نهاد گرایانه جدید متفاوت است. نهاد بودن به معنای بحث از سازمان بودن و سازمان یافتگی داشتن که در جامعه‌شناسی سازمان‌ها و مدیریت سازمان مورد بحث قرار می‌گرفت و با ادبیات نهادی امروزه که با نظریه‌های نورث، ویلیامسون و استروم و ... شناخته می‌شود، تفاوت دارد. این امر نقطه متمایز پژوهش حاضر با مطالعات نهادی قبلی است. به عبارتی عمده پژوهش‌ها جهاد سازندگی را از منظر سازمانی و مدیریتی بررسی کرده است؛ اما تحلیل نهادی و یا تحلیلی مطابق الگوی استروم صورت نگرفته است.

## روش پژوهش

روش در این پژوهش کیفی و تفسیری است. به منظور واکاوی الگوی پیشرفت حاکم بر جهاد سازندگی روش تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای برای شناسایی موضوع موردنظر در تحقیقات قبلی مورد استفاده قرار گرفته است. تکنیک جمع‌آوری داده تحلیل ثانویه می‌باشد. این روش در زمان و منابع صرفه‌جویی کرده درعین حال اطلاعات مهمی برای به دست آوردن بینش و شناسایی روندها در اختیار می‌گذارد.

ابتدا منابع موجود تجربه جهاد سازندگی تا حد اشباع نظری مورد بررسی قرار گرفت تا شناخت و روایت عمیقی و تاریخی از سازمان موردنظر به دست آید. سپس در غالب چهار بعد تحلیل نهادهای استروم که در مدل او بیان شده روایتی از چگونگی مکانیسم‌های عمل جهاد سازندگی ارائه شد. در واقع این ابعاد متضمن فهم جامع پیشینی از عوامل پیشرفت جهاد است. نهایتاً شاخص‌های که چگونگی موفقیت ارتقا بخش و پیشروی جهاد سازندگی را توضیح دهند احصا گردید.

## جامعه و نمونه پژوهش

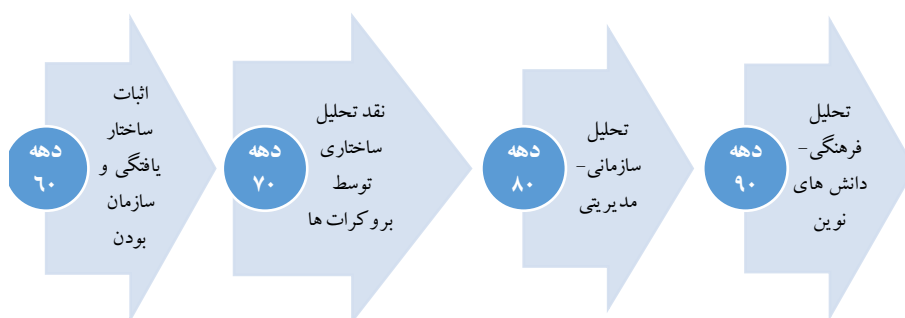
جامعه پژوهش به سه دسته منابع تحلیلی، منابع روایی و خاطرات و گزارش‌ها تقسیم شده است. منابع تحلیل شامل کتب، مقالات و رساله‌های دکتری بودند که سعی کرده بودند این تجربه ارزشمند را از زوایای مختلف و با رویکرد علمی مورد مطالعه قرار بدهند. منابع دوم یعنی روایت‌ها و خاطره‌ها طیف گسترده‌تری بودند که لزوماً از منظر علمی تبعیت نکرده بودند. گزارش‌ها نیز حجم کمتری از کارها را شامل می‌شوند که بر اساس آنچه در کتابخانه و مرکز اسناد ملی وجود داشت احصا شدند. مرور انجام شده در مورد منابع دسته اول به سطح تمام شماری نزدیک شده ولی دسته دوم تا سطح اشباع نظری پیگیری شد. بعد از آنکه مطالعه منابع بیشتر از بیان داده‌های جدید ناتوان بود، مرور متوقف گشت. با حذف برخی از منابع خصوصاً منابع روایی و خاطرات سایر منابع در سه دسته بررسی شده‌اند. منابع تحلیلی، روایت و خاطره‌ها و منابعی که مربوط به سخنرانی‌ها، همایش‌ها و گزارش‌های سازمان جهاد کشاورزی بوده است.

## یافته‌های پژوهش

مطالعات مربوط به سازمان و مدیریت، جهاد سازندگی را به‌عنوان سازمانی با فرهنگ جهادی (موحد، ۱۳۸۶؛ قائدی و مشرف جوادی، ۱۳۹۳؛ قافله باشی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مشایخی و همکاران، ۱۳۹۹)، سازمانی فضیلت محور (دانایی فر، باقری کنی، حجازی فر، ۱۳۹۴)، اخلاقی (صدرالسادات، ۱۳۸۸) و ارزشی (خلقانی و ابراهیم پور، ۱۳۸۶) با مدیریتی اسلامی (قائد علی و عاشوری، ۱۳۹۳) و جهادی (فرهادی و نوری و چهار آیین، ۱۳۸۸؛ حقیقی، ۱۳۸۸) معرفی کرده‌اند. در این دسته مؤلفه‌های احصا شده شامل: دین، ایمان، معنویت، آرمان، تقدس، تعالی، عبادت، تقوا، اخلاص، حکمت، کار به مثابه عبادت، سادگی، قناعت، اخوت، همکاری، همدلی مشورت، مشارکت، اعتماد، انعطاف، انطباق، تعاون، هم رشدی، مسئولیت‌پذیری، مجاهدت، شجاعت، ایثار، امانت‌داری، آزادی فردی، عدالت اجتماعی به سازمان نسبت داده شده یا به‌عنوان فرهنگ سازمانی معرفی شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت مؤلفه‌ها مربوط به حوزه اعتقادات، سبک زندگی، روابط و تعاملات، خلقیات و ارزش‌های اجتماعی اشاره دارد.

هرچند ذیل رویکردهای سازمانی ویژگی‌های مربوط به نیروی انسانی نیز طرح شده اما برخی مطالعات که به‌طور خاص مدیریت را مطرح کردند مؤلفه‌های: خدمت به خلق، کار برای رضای خدا، تلاش برای مبارزه با دشمن، ولایت محوری، انعطاف، سرعت عمل، مشارکت، اخلاق و ارزش، مشارکت داوطلبانه، نگاه غیر ابزاری به نیروی انسانی، انتظار مطابق و سع از نیروی انسانی، پرکاری، سخت‌کوشی، قناعت، رعایت بیت‌المال، دین‌مداری، نظام انتخاب و انتصاب و طراحی ساختاری سازمان را برای نوع مدیریت جهاد سازندگی برشمردند. مطالعاتی که متمرکز بر کیفیت نیروی انسانی هستند نیز ذیل ویژگی‌های جهادگران اخص از مدیریت صحبت شده. آرمان، ایمان، آخرت‌گرایی، مبارزه با نفس، اهداف بلند، خودسازی، ادای تکلیف، شجاعت، جسارت، سخت‌کوشی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، خودباوری، مقاوم‌سازی، تعمیق هویت فردی و دینی، تشویق خلاقیت، امیدآفرینی از جمله مؤلفه‌های مورد اشاره است.

رویکرد سازمانی در هشتاد غالب است و در دهه نود این الگویابی با رویکردهای فرهنگی، اقتصادی، اقتصاد سیاسی و روابط بین الملل پیگیری شد. پژوهش های مدیریتی نیز با چارچوب های جدیدتری در مدیریت کسب و کار (MBA) یا هوش معنوی انجام شدند.



شکل ۱. تطور الگوی مطالعات جهادسازندگی (یافته های تحقیق)

بر اساس برخی نگاه‌ها، دیگر شاخص های توسعه را می توان دربرش حوزه های توسعه مورد توجه قرار داد. شاخص ها در قالب الگوهای توسعه روستایی (رفیع پور، ۱۳۷۲؛ شکوری، ۱۳۸۶؛ لایب، ۲۰۲۰)، توسعه فرهنگی (منطقی، ۱۳۹۶)، توسعه سیاسی (لاب، ۲۰۱۶)، توسعه اجتماعی (حقیقی، ۱۳۸۸)، توسعه اقتصادی (حسنی و شاه بابایی، ۱۳۹۵)، الگوی نوآوری اجتماعی (روح اللهی و همکاران، ۱۳۹۷)، الگوی تغییر اجتماعی (ساندرلاب، ۱۳۹۶)، الگوی نهادی (ایروانی، ۱۳۷۷) و الگوی دولت سازی (لاب، ۲۰۱۸) هستند. ذیل هر کدام از حوزه ها مؤلفه های مختلفی وجود دارد. توسعه روستایی شامل: دیوانسالاری زدایی، رفتار شخص جهادگر، ارزش های هم سو، رضایت از دولت، مؤلفه های هنجاری و ارزشی، ساختار و عمل، الگوی تغییر اجتماعی مؤلفه های ایدئولوژیک بودن، پویایی، ناظر بودن به پیشرفت و توسعه، اقتدار و نفوذ، کنش های غیر قهری، جنبش اجتماعی (بسیج مردمی)، حمایت نخبگان حکومتی، تأثیر رخداد انقلاب فرهنگی و جنگ با عراق، جذب نخبگان نوظهور در ساختار سیاسی، نوع فعالیت حمایتی، فرهنگ و مدیریت جهادی (تمرکززدایی نظام بوروکراتیک و مشارکت مردمی)، قدرت نرم تکیه بر هویت جمعی و

جهت‌دهی به کنش‌ها است. مؤلفه‌های نهادی شامل: ولایت محوری، استمرار، ارزش‌مداری، خودباوری، مردم‌گرایی، دین‌محوری، انعطاف‌پذیری، فرهنگ خاص سازمانی، نوآوری و پویایی است. مؤلفه‌های فرهنگی شامل: احساس خودباوری، احساس غرور ملی، تغییر نگرش، یافتن نگاه واقع‌بینانه نسبت به تحولات جامعه، تعمیق هویت فردی دانشجویان، تعمیق هویت تاریخی دانشجویان، افزایش اعتماد به نفس، تشویق خلاقیت‌های الگویابی دانشجویان، رفع ناامیدی، مقاوم‌سازی در برابر هجوم فرهنگی غرب، ممانعت از غرب‌زدگی دانشجویان، یافتن نگاه پر امید به آینده، تعمیق هویت دینی دانشجویان، الگوی نوآوری اجتماعی ایجاد اضطرار محرک بر محوریت ولی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و خواست مردمی، تربیت نوین اسلامی، نیت‌مندی جهادی، کنش جهادی، فرهنگ کار متعالی، میدان دادن به نیروی انسانی، ساختار ولایی، مدیریت و اداره شورایی، ماموریت‌گرایی به جای تخصص‌گرایی و پویایی سازمانی، نظارت و کنترل غیر رسمی، ساختار منعطف و تطبیق‌پذیر با تکلیف و محیط، شایسته‌سالاری انقلابی است. الگوی سیاسی شامل: ابزار غیرنظامی و غیرایدئولوژیک است. دولت‌سازی شامل مؤلفه‌های اشاعه ارزش‌های انقلابی، هویت ملی و مدنی در سراسر روستاها، اشاعه ارزش‌های انقلابی، هویت ملی و مدنی در سراسر روستاها است. در الگوی اقتصادی عناصر تشکیل‌دهنده شامل: فرهنگ حاکم، تعاملات با سایر نهادها و قوانین و فرا قوانین است.

یافته‌ها نشان می‌دهد ایده‌ها و شاخص‌ها در مورد جهاد سازندگی از اثبات موجودیت علمی جهاد آغاز شده و به سایر ابعاد پیشرفت و توسعه در سطح عاملیت و ساختار و عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی کشیده می‌شود. این امر نشان می‌دهد که سقف قابلیت‌های ادارکی عرصه پژوهش از تجربه جهاد سازندگی روند تکاملی را طی کرده است. گویی طی زمان مشخص شده است که تحقق عملکرد موفق تنها به خاطر اقتضائات زمانی، صرف نیت‌های خیر یا محدود به تغییرات انفسی نبوده است، بلکه از لحظه مسئله‌مندی و تأسیس تا گسترش و تثبیت وجوه مختلفی از حوزه‌های ذهنی، بینش‌ها و گرایش‌ها تا نظام انگیزه‌ها و تغییر کنش و رفتار را در بر گرفته است. این ارتقا به آشکار کردن ابعاد بیشتری و همه‌جانبه‌تری از قابلیت‌ها و امکان‌های توسعه و پیشرفت حاصل از جهاد منجر شد. راهی که برای بروز این مکان و رسیدن به چند شاخص اصلی در الگوی پیشرفت جهاد در این مقاله اتخاذ شده، تحلیل جهاد سازندگی ذیل مدل تحلیل نهادی استروم است.

ویژگی‌هایی چون عبور از عقلانیت ابزاری، همه‌جانبه‌گرایی، توجه به عاملیت انسانی یعنی مردم و مدیریت مردمی منابع، توجه به ذهن و شناخت، اهمیت به جامعه و مثابه موجودی زنده و قواعد سخت و نرم درون آن از جمله ویژگی‌هایی است که این انتخاب را متناسب کرده.

استروم ۴ ویژگی یا بعد را در مدل خود بررسی می‌کند (استروم، ۱۳۹۴). او معتقد است این عوامل به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و برای درک عملکرد یک‌نهاد، باید همه این عوامل را در نظر گرفت. هرچند ضرورتی بر وزن مساوی در مورد همه آن‌ها وجود ندارد. ضریب نفوذ و اثربخشی هر کدام از این ابعاد جامعه به جامعه، زمان به زمان و نهاد به نهاد متفاوت است. در ادامه این چهار بعد توضیح داده شده و در مورد جهاد سازندگی تحلیل می‌شود.

### ویژگی‌های بازیگران عرصه جهاد سازندگی

از نظر استروم بازیگران، افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی هستند که در یک‌نهاد نقش دارند. او ۴ ویژگی بازیگران در تحلیل نهادی را منافع، توانایی‌ها، اطلاعات و تعاملات معرفی می‌کند. در مورد سازمان جهاد سازندگی ایران، با استفاده از ادبیات پیشین بازیگران اصلی شامل: دولت ایران و مردم ایران خصوصاً جوانان که خود کارشناسان و متخصصان جهاد را هم تشکیل می‌دادند. ویژگی‌های این بازیگران و تعاملات میان بازیگران مختلف خط‌مشی‌های جهاد را سازمان داده است. مطالعات انجام‌شده در مورد جهاد سازندگی به‌وفور ویژگی‌های مدیران و جهادگران را مطرح کرده است. عمدتاً همان ویژگی‌ها به سازمان جهادی و یا فرهنگ جهادی نیز نسبت داده شده است.

### دولت ایران

پیشنهاد جهاد سازندگی به سرعت توسط رهبری ایران پذیرفته شد و به مرحله سازمان‌یافتگی، قاعده‌گذاری و عملیاتی شدن رسید. امام خمینی و شهید بهشتی در سطح مسئولین رده اول جدی‌ترین نقش را در پشتیبانی و حمایت‌های مادی و معنوی از جهاد سازندگی داشتند (ظهوریان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ امام در این زمینه نیز مانند سایر فعالیت‌های مبارزه و انقلاب به جوانان مومن برای حل مسئله میدان داد. اما دولت به‌واسطه روح بوروکراتیک جاری بر آن عامل مانع‌تراشی در

مسیر فعالیت های جهاد بود. چنانکه جهاد سازندگی ادارات با مقاومت دولت - به خصوص بنی صدر - مواجه شده و اکثر آن ها به تعطیلی کشیده شدند. ولی دولت به مثابه حاکمیت در کلیت خود از جهاد حمایت می کرد و از این نظر تعارض منافع بین دولت و حاکمیت وجود دارد. به نظر می رسد توسعه حوزه های فعالیت جهاد از نگاه برخی سیاسیون، ابزاری سیاسی به نفع جریان و حزب مشخصی بود. برای همین است که برخی از فعالان این سازمان اعتقاد دارند یکی از زمینه هایی که موجب انحلال جهاد شد، همین قدرتمند شدن آن بود. ارتباط با مردم روستا و محبوبیت در بین مردم و قوی تر شدن مجموعه جهاد از وزارتخانه ها از دیدگاه بعضی از سیاسیون مصلحت نبود (ظهوریان و همکاران، ۱۳۹۷) چون می توانست قدرت آن جریان را تا دورترین مناطق کشور ببرد. در مورد تعاملات دولت ایران مستقیماً نقشی در انتخاب اعضای شورای مرکزی نداشت. روند بدین صورت بود که جهاد استان ها افرادی را به عنوان خبره به تهران می فرستادند. این افراد بانام مجمع خبرگان یا معتمدین جهاد دورهم جمع شده و افرادی را برای عضویت در شورای مرکزی پیشنهاد می کردند. با رفتارهای باندی و رانتی تقابل شدید و خودجوشی صورت می گرفت که باعث حذف این رفتارها از تعاملات می شد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۹). شورای مرکزی در واقع هماهنگ کننده و پیشنهاددهنده با دولت بود و تلاش خود را برای کاهش هزینه ها و تسهیل گری به کار می برد و اختیار عمل واحدها را محدود نمی کرد. واحدها متشکل دو یا چند نفر نیروی آزمون پس داده و مورد اعتماد شورا بودند که در صورت حجم زیاد کاری به کمیته تبدیل می گردیدند. به هر حال حاکمیت تا حد زیادی بر حمایت از جهاد و تأمین بستر و اطلاعات توانا بود.

### مردم خصوصاً جوانان ایران

در مورد سابقه فرهنگ رفتار داوطلبی و مشارکتی ایران دو نوع تحلیل متعارض هر دو بر اساس موقعیت جغرافیایی آن ارائه می شود. از یک سو خشکی و بی آبی، ساخت اقتصادی و سیاسی استبدادی، بی ثباتی و وابستگی به قدرت را عامل گسترش فردگرایی، قبیله گرایی و کوتاه نگری در نظر گرفته که باعث عدم ایجاد فرهنگ مشارکتی و بروز قدرت مردم شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱؛ رضا قلی، ۱۳۹۸). در جبهه ای کاملاً مخالف، زندگی عشیره ای و محلی، تشکیل واحدهای جغرافیایی کوچک، شوراهای مردمی و اصناف را عامل ایجاد روحیه جمع گرایی و مشارکت

به عنوان الگوی فرهنگ غالب در فرهنگ جامعه ایران معرفی می کنند که ورود دین اسلام و تأکید آن بر مؤلفه های مشارکت و همیاری، ساخت تشکل ها و عقود و تعاملات مبتنی بر شوراها، مزارعه، مضاربه، تعاون، وقف، مشاع و... سبب تحکیم این روحیه گردیده است (فرهادی، ۱۳۹۵). آنچه در ایران با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تجربه شد به طور برجسته بر تحلیل دوم تأکید می گذارد و در این بین تجربه جهاد سازندگی نمونه والایی است.

ویژگی های طبیعی جوانی مثل ریسک پذیری، توانایی بالای بدنی، تجرد و تحصیلات در کنار باورها و اعتقادات دینی و انقلابی بخشی از دلایل موفقیت آن ها بر شمرده شده است. با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، تعداد زیادی از این دانشجویان ذیل توجهات امام خمینی به جوانان برای خدمت رسانی به روستاها بسیج شده بودند. آن ها به راهنمایی شهید محمد حسینی بهشتی طرح «جهاد برای سازندگی روستاهای کشور» را در بهار ۱۳۵۸ ارائه دادند (حسینی و آشتیانی، ۱۳۹۵) و مقدمات جهاد سازندگی شکل گرفت. بعد دیگر ویژگی های جهادگران، مربوط به ویژگی های جمعی آن ها بود. در ابتدا و بعد از دستور امام مبنی بر تشکیل نهضت جهادی شهید بهشتی گروه های متعدد فعال با دیدگاه های متنوع را جمع کردند تا این طرح مورد موافقت آن ها قرار گرفته و در استان ها نمایندگان تعیین شوند: حزب جمهوری اسلامی، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مهندسين، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، جامعه اسلامی دانشگاهیان، جنبش ملی مجاهدین خلق ایران، حزب خلق مسلمان ایران، دفتر آیت الله طالقانی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شورای هماهنگی انجمن ها و سازمان های دانشجویی ایران، کانون محصلین، گروه مهندسين مسلمان، نهضت آزادی ایران و جنبش مسلمان مبارز به جلسه مشترک دعوت شده بودند (جعفر نژاد، ۱۳۹۱). اجماع بازیگران برای تحقق یک هدف توسط گروه های متفاوت، با باورها و اهدافی متنوع یکی از زمینه هایی است که قابلیت تحقق اهداف جهاد را بسیار بالا برد؛ بنابراین این دسته از بازیگران عمدتاً تعارض منافع نداشته، توانایی، ارتباطات و اطلاعات لازم را در اختیار داشتند.

## ويژگى هاى نهاد جهاد سازندگى

اتفاق نظرى واحدى در مورد تعريف نهاد وجود ندارد و تعاريف متفاوتى از آن شامل نهاد به مثابه قاعده، به مثابه هنجار، به مثابه ساختار، به مثابه رفتار و نهاد به مثابه تعادل ارائه شده است. نهاد به مثابه قاعده رايج ترين تلقى موجود است. افرادى چون نورث، ريكر، استروم، نايث، هاجسن، بولز، سرل، لائوس در شمار نظريه پردازانى هستند كه نهاد را در قالب نظام قاعده ها در نظر مى گيرند (ريزوندى و همكاران، ۱۳۹۵). از اين زاويه نهاد محصولى از توافق اجتماعى، عرصه مصالحه و مذاكره بر سر منافع و منازعات، نظم يا الگوى اجتماعى، قواعد و قوانين رسمى و غير رسمى است كه رفتارها و تعاملات بازيگران را ضابطه مند مى كند و محدوديت هاى را بر انتخاب ها قرار مى دهد (نورث، ۱۳۹۷: ۳-۵). نهادها به جز قواعد و هنجارها، لايه زيرين اين هنجارها و قواعد يعنى نظام هاى نمادين و شناختى را نيز شامل مى شوند. نظام شناختى داراى اهميت بالايى است چرا كه «چارچوب ادراكى» ايجاد مى كند كه تعيين مى كند اعضاى نهادها چگونه داده ها و اطلاعات محيط را تفسير مى كنند. به تعبيرى نهادها مسيرهاى را كه راه حل ها در آن جستجو مى شوند تعيين مى كنند (زارعى، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۹). گفته شد كه قواعد نهادى شامل مجموعه هنجارها و رويه هاى رسمى و غير رسمى است كه در عرصه مورد نظر حاكم است. اين قواعد است كه با تعريف ساختار انگيزشى براى بازيگران و با قدرت هنجارهاى غير رسمى برگرفته از باورها معلوم مى كند بازي چگونه انجام مى شود (نورث، ۱۳۹۷). در مورد سازمان جهاد سازندگى ايران، نهادهاى اصلى عبارتند از: قوانين و مقررات سازمان جهاد سازندگى، هنجارهاى سازمانى سازمان جهاد سازندگى، انتظارات جامعه از سازمان جهاد سازندگى.

فرمان ۲۷ خرداد امام در مورد تشكيل جهاد سازندگى قاعده گذارى رسمى بود كه از دل قواعد غير رسمى موجود بر مى خواست، در نتيجه واژه به واژه و مفهوم به مفهوم آن ارزش هاى جهادى را سازمان داده و تا حد زيادى قابليت تحقق پيدا كرد. ايجاد استقلال و برقرارى عدالت با لحاظ پايدارى دو محور قابل توجه در صحبت هاى امام خمينى و شهيد بهشتى در هدف گذارى و كار ويژه جهاد در انقلاب اسلامى بودند. امام در سخنرانى خود، مأموريت جهاد سازندگى را وظيفه تمام ملت مبنى بر بازسازى «خرابى» تحميل شده توسط شاه در قالب فقر و عقب ماندگى روستاها عنوان كرد.

امکان این پایداری در اتخاذ رویه مدیریتی شورایی دیده شد. به این ترتیب سازمان‌دهی جهاد بر اساس شورای مرکزی، شوراهای استانی و شهرستانی و کمیته‌های تخصصی مرکزی، استانی و شهرستانی صورت گرفت (ایروانی، ۱۳۷۷). شورای قانونی ده یا گروه مشورتی موقت به طور مستقیم از طرف اهالی ده و از بین معتمدین و روحانیت محلی و در صورت وجود اختلافات فرهنگی، مذهبی یا قبیله‌ای، با انتخاب یک نفر از هر فرهنگ، مذهب یا قبیله - انتخاب می‌شدند (حسینی و آشتیانی، ۱۳۹۵). بدین ترتیب سازوکاری برای حل کم‌هزینه اختلافات، مناقشات و تعارضات اتخاذ شده بود؛ که می‌توانست با گفتگوی مستقیم با مردم، اهداف و وظایف جهاد را اعلام کند، مسائل و مشکلات را دریافت دارد و از طریق خود مردم و ساختار غیرمتمرکز و سریع به حل آن‌ها بپردازد. تصویب اساسنامه جهاد در مجلس شورای اسلامی، قاعده‌گذاری‌ها در مورد تشکیلات جهاد و مقررات مالی، اداری و استخدامی مربوط به آن، قانون تفکیک وظایف بین وزارت جهاد کشاورزی مهم‌ترین قاعده‌گذاری‌های رسمی مربوط به جهاد بودند.

مهم‌ترین هنجار غیررسمی که بر ویژگی‌های بازیگران، خدمات و جامعه تأثیر می‌گذاشت، ارزشمندی حضور مردم و مردمی‌بودن فعالیت‌های جهاد بود. جهاد به جای مردم کار نمی‌کرد، در عین حال کارفرمای مردم نیز نبود، حضور مردم در عرصه شناسایی، تصمیم‌گیری و تأمین منابع و حضور جهادگران در میدان عمل، تعاملی کاملاً همکارانه رقم زده بود.

«مردم هم مشارکت می‌کردند، روستایی‌ها با بچه‌های جهاد احساس یگانگی می‌کردند، احساس می‌کردند که این‌ها از خودشان هستند. در جهاد شرط اصلی ورود به کار در روستا، مشارکت مردم بود» (ظهوریان و همکاران، ۱۳۹۷). هم سیاستمداران چون شهید بهشتی که در پیشانی هدایت نظام انقلابی بودند به لحاظ معرفتی و عملیاتی مبتنی بر شور و مشورت فکر، سازمان‌دهی و عمل می‌کردند؛ و دیگران را نیز به سمت این فرهنگ سوق می‌دادند.

فرهنگ شورایی ظهور رسمی نیز در ساختار جهاد پیدا کرد. همین شوراها به تبع خود فرهنگ کار مشارکت را در جهاد تقویت می‌کرد. این ویژگی در بالاترین مقطع تصمیم‌گیری جهاد در وزارت و همچنین در استان‌ها باعث شده که تصمیم‌گیری و مدیریت جهادی بر مبنای تخصص نیروهای جهاد و کارآمدی‌های آن‌ها در انجام وظایف باشد. مشورت و مردم محوری به عنوان

قاعده غير رسمي، همه قواعد و تعاملات جهاد را با مردم، در بين خود و مردم با جهاد را به صورت كارآمدي سازمان مي داد.

نكته ديگر در مورد ويژگي قواعد نهادي جهاد سازندگي افزايش قدرت انعطاف از طريق دور شدن از رويه هاي بوروکراتيک دست و پا گير و ناکارآمد بود. اين امر به معنای بي نظمی و بي قانونی نبود. بلکه استقلال عمل بيشر شده، مسيرهاي تصميم گيري کوتاه تر و به شناخت نيروها در تعيين اولويت ها و تخصيص ها اعتماد بيشرتي شد. تا در نهايت همسويي و هم افزايي نهادهاي رسمي، غير رسمي و انتظارات مردم مسير موفقيت و پيشرفت جهاد را بسازد.

### ويژگي جامعه در دوران جهاد سازندگي

نهادها، در يك جامعه خاص قرار دارند و از آن جامعه تاثير مي پذيرند. در مورد سازمان جهاد سازندگي ايران، جامعه اصلي عبارت اند از: جامعه ايران، جامعه روستايي ايران.

ويژگي هاي مهم و تاثير گذار جامعه عبارت اند از: ارزش هاي پذيرفته شده به صورت عمومي در اجتماع در مورد رفتار، سطح ادراک مشترکي که بين بازيگران بالقوه وجود دارد. حد همگني بين ترجيحات افراي که در اجتماع زندگي مي کنند. اندازه و ترکيب اجتماع مربوطه و حد نابرابري دارايي هاي عمومي بين آن هايي که تحت تاثيرند. فرهنگ اشاره به ارزش هاي مشترک در يك اجتماع دارد. فرهنگ مدل هاي ذهني است که ممکن است بازيگران در يك موقعيت به اشتراک بگذرانند؛ و به نوبه خود بر چگونگي تکامل ذهن بشر تاثير مي گذارند. وقتي تمام بازيگران داراي مجموعه مشترکي از ارزش ها هستند و با يکديگر در مجموعه مرکبي از موقعيت ها درون يك اجتماع کوچک تأمل مي کنند، توسعه قواعد و هنجارهاي مناسب براي مديريت روابط تکرارشونده بسيار محتمل تر خواهد بود (استروم، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸).

باورهاي بازيگران بر اساس شناختي که در يك بستر فرهنگي به دست مي آورند، هنجارهاي غير رسمي يك جامعه را شکل مي دهند. در دوران جهاد ارزش هاي برگرفته از دين، در تقابل با رژيم پهلوي و در امتداد ارزش هاي مبارزه انقلابي باورهاي مشترکي براي همه بازيگران شهري و روستايي فراهم آورده بود و قاعده گذاري هاي جامعه معطوف به ارزش هاي جامعه انقلابي، اسلامي، متحد، مستقل، عادلانه و... بود. لذا رفع محروميت، مبارزه با فساد، برقراري عدالت و

تکریم مستضعفین درک مشترک جامعه از مهم‌ترین مسائل کشور شده و خدمت‌رسانی به روستاهای کشور برای همه در اولویت قرار گرفت. جوانان به‌عنوان بخش قابل توجهی از بازیگران چه در مورد جهادگران و چه عامه مردم نقش بزرگی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده بودند و درک مشترک مردم در امتداد مشی امام خمینی آن بود که بازهم می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد. این میدان دادن به جوانان و تفویض اختیار به آن‌ها، دانش ضمنی برای انجام کار را فراهم می‌کرد.

### ویژگی خدمات در جهاد سازندگی

ویژگی کالاها و خدمات بر نتیجه‌ای که مداخلات در محیط حاصل می‌کند تأثیر دارد. همین‌طور ویژگی کالا و خدمات در تعیین نوع سیاست‌ها و پیامدهای آن مهم است. سنخ‌شناسی انواع کالا در ادبیات رایج اقتصاد بر اساس طبقه‌بندی دو گانه ساموئلسون به دودسته خصوصی و عمومی مبتنی بر دو گانه دولت - بازار صورت گرفته و بعدتر جیمز بوکانان بود که نوع سومی از کالاها تحت عنوان کالاهای باشگاهی را مطرح نمود. استروم نوع چهارمی از کالا را معرفی می‌کند به نام منابع با مالکیت مشترک یا مشاع. چهار نوع کالا و خدمات شامل: کالاهای عوارضی، کالاهای خصوصی، کالاهای عمومی، منابع مشاع (استروم، ۱۳۹۴: ۶۳) این ۴ نوع کالا بر اساس دو ویژگی تعیین می‌شود. یکی انحصاری بودن بهره‌مندی از منابع و دوم کاهش‌پذیری به هنگام استفاده شدن. بر اساس این دو ویژگی کالاهای عوارضی یا باشگاهی هم در سختی انحصاری نمودن و هم در کاهش‌پذیری شدت کم دارند. ویژگی کالاهای عمومی و منابع مشاع این است که آن‌ها را به سختی می‌توان انحصاری نمود و با مسئله‌ی سواری مجانی و عدم انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری روبه‌رو است؛ اما درحالی‌که کالاهای عمومی مثل صلح کاهش‌پذیری کم دارند یعنی بسیاری از مردم می‌توانند اشتراکاً از آن‌ها استفاده کنند و محروم کردن افراد از کسب این منافع دشوار است، منابع مشاع کاهش‌پذیری زیادی دارند یعنی استفاده هر فرد از یک منبع طبیعی، مقدار در دسترس آن را کاهش می‌دهد.

در مورد سازمان جهاد سازندگی ایران، کالاها یا خدمات عمومی اصلی عبارت‌اند از: توسعه روستایی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، تأمین مسکن و اشتغال. برای روستائیان توجهات به اهمیت خدمات زیربنایی از سوی روستائیان باعث شروع کار جهاد از روستاها و مناطق دورافتاده شد. نوع

خدمت جهاد سازندگی پرداختن مستقیم به نیازها و مسائل سطح اول جمعیت زیاد روستائیان بود. ارائه خدمات به صورت منطقه‌ای زمینه تعامل از نزدیک با مردم فراهم شد. جهاد توانست برای عملکرد موفق از مکانیسم جمع‌آوری اطلاعات منطقه‌ای و مشارکتی استفاده نماید. از افراد بومی در شوراهای ده شهرستان و استان نیرو می‌گرفت تا بتواند اطلاعات لازم در مورد خدمات لازم را به دست آورد. نحوه تأمین و پرداختن به مسائل نیز با رویه‌ای مشارکتی صورت می‌گرفت. در نتیجه توزیع خدمات بر اساس اطلاعات حقیقی و با مشارکت حداکثری گروه‌های هدف و ذی‌نفعان صورت می‌گرفت. لذا بر مسائل احساس نابرابری و سواری مجانی غلبه می‌کرد. پس باید نحوه تأمین این کالاها طبق قواعدی باشد که بهره‌وری را تضمین کند. این قاعده گذاری در جهاد با تأمین مشارکتی خدمات صورت گرفت. این رویه باعث شده بود مداخلات در مورد کالاهای مشاع با کمترین تضاد منافع رویه‌رو باشد و همه مردم روستا احساس کنند سهم برابری از خدمات جهاد دریافت می‌کنند و امکان ایجاد خلاقیت نیز فراهم گردد. پیشرفت تکنولوژی‌های کشاورزی مثل نهضت سیلو سازی نمادی از خدماتی است که جهاد ارائه می‌شد (ایروانی، ۱۳۷۷). فعالیت‌های فرهنگی جهاد نیز شامل برگزاری ویژگی نهادی مراسمات و روشنگری در مساجد، مشارکت در سوادآموزی روستائیان و فعالیت‌های خودجوش و غیر بخشنامه‌ای را شامل می‌شد. ویژگی مشترک همه این خدمات آن بود که در آن زمان نمی‌توانست در بازار رقابتی و برای سودآوری اجرا شود. در جمع‌بندی این بخش بررسی مطالعات پیشین در مورد جهاد سازندگی نشان داد که تنها با برشمردن صفات اخلاقی، ارزشی و دینی به جهادگران، مدیریت، محیط یا فرهنگ نمی‌توان در مورد فرآیند موفقیت جهاد در ایجاد پیشرفت و سازندگی دانش بایسته‌ای در مورد چگونگی و مکانیسم حرکت از ذهن به نهاد در سطح الگویی به دست آورد. لذا برای تحلیل "چگونگی" در این تجربه، با تأیید بر یافته‌های مطالعات پیشین موضوع در مدل جدیدی از کنش جمعی غیر متمرکز در سطح نهادی صورت‌بندی و با ابعاد چهارگانه تحلیل شد که جامعیت، آزادی عمل و جزئیات را هم‌زمان شامل شود. ویژگی‌های بازیگران مهم‌ترین نقطه اشتراک تحلیل جدید با مجموعه مطالعات پیشین بود. هرچند در تحلیل جدید طبقه‌بندی واضح‌تری پیدا کرده و نقش نیروهای متعارض و مقاومت‌ها نیز لحاظ شد. در عین حال ویژگی‌های نهاد متشکل از قواعد رسمی و غیررسمی که در پژوهش‌های پیشین نیز سابقه داشت طبق ادبیات موضوع ساماندهی شد.

نهایتاً این مدل، نشان می‌دهد که موفقیت این سازمان، نتیجه ترکیبی از عواملی مانند انگیزه و تعهد بازیگران، کارآمدی و مؤثر بودن نهادها، اهمیت کالاها یا خدمات عمومی و حمایت جامعه بوده است. این کثرت و ابعاد جدیدتر امکان استخراج شاخص‌های جدیدتری در راستای توضیح الگوی پیشرفت بومی را فراهم می‌کند.

ویژگی بازیگران	ویژگی نهاد	ویژگی جامعه	ویژگی خدمات
<ul style="list-style-type: none"> <li>• داوطلبان مردمی جوان و مجتمع، دینی، انقلابی</li> <li>• مقامات سیاسی و اداری حامی، معتمد، غیرفاسد</li> <li>• گروه‌های هدف خوش بین، امیدوار، همکار، کنشگر</li> <li>• ذینفعان منتفع شامل ملت ایران و دوستان ایران</li> <li>• ذینفعان غیرمنتفع دشمنان ایران</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قواعد رسمی: فرمان ۲۷ خرداد با تاکید بر استقلال و برابری</li> <li>• مدیریت شورایی با کم کردن هزینه حل اختلاف، مناقشه و تعارض</li> <li>• اساسنامه جهاد و مقررات تفکیک وظایف، مقررات مالی و استخدامی آن</li> <li>• قواعد غیررسمی: حضور مردم در عرصه‌های شناسایی، تصمیم‌گیری و تامین منابع</li> <li>• انعطاف‌پذیری با افزایش استقلال، تخصیص‌های بهینه و کوتاه کردن مسیر تصمیم‌گیری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارزشهای هویت جمعی یافته دینی و انقلابی</li> <li>• ادراکات و ترجیحات مشترک و همگن</li> <li>• حد پایین نابرابری در دارایی‌های عمومی</li> <li>• تفویض اختیار و تمرکز زدایی</li> <li>• ایجاد دانش ضمنی با انجام کار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• منابع با مالکیت مشترک یا مشاع</li> <li>• خدمات زیربنایی و نیازهای اولیه</li> <li>• مبتنی بر جمع‌آوری داده‌های بومی</li> <li>• مبتنی بر تامین و پرداخت مشارکتی</li> <li>• مبتنی بر اخلاقیت در تامین و ارائه خدمت</li> <li>• خارج از بازار رقابتی و سودآور</li> </ul>

شکل ۲. ویژگی‌های توضیح‌دهنده پیشرفت در مدل تحلیل نهادی استروم (یافته‌های تحقیق)

## شاخص‌های پیشنهادی

در ادامه چگونگی موفقیت اعتلای بخش و ارتقادهنده جهاد سازندگی در قالب سه شاخص به صورت تفصیلی توضیح داده می‌شود.

### شاخص تغییر عقلانیت اجتماعی مشترک (ایرانی - اسلامی)

بر این اساس باورها، نهادها، ابزارها، فنون و ذخیره دانش که به نام میراث فرهنگی برای هر ملتی از گذشته به ارث می‌رسد و بر تصمیمات و نحوه انجام قید می‌گذارد، عقلانیت اجتماعی آن ملت است. عقلانیت مشترک یک اجتماع مربوط به قواعد اجتماعی آن است و حول معیارهای اجتماعی مورد قبول شکل می‌گیرد. هسته آن را می‌توان ساختار اخلاقی در نظر گرفت که میراث مشترک اجتماعی است نه حاصل ترجیحات فردی.

در جستجوی چگونگی توسعه و پیشرفت در بررسی تجربه‌های موفق، تأثیرگذاری عقلانیت اجتماعی یکی از پاسخ‌ها است. عقلانیت اجتماعی، عقلانیت یا عدم عقلانیت را به گروه اجتماعی نسبت می‌دهد؛ یعنی گروه را به عنوان موجودی سازمان‌یافته جدا از اعضای تشکیل‌دهنده آن به حساب می‌آورد. لذا این شاخص هنجاری مربوط به اندازه‌گیری باورها، هنجارها و ارزش‌ها، اعتقادات، ایدئولوژی، مذهب، انگیزه‌ها، عرف و سنت‌ها، آداب و رسوم، قواعد و اصول رفتاری اجتماعی است. مهم‌ترین ویژگی آن جنبه خودجوش، خودنظارتی و توافق جمعی در آن است. هر نوع رشد و تغییر این نهادها در وضع غیرانقلابی تدریجی است و نه گسسته. (یونگ، ۱۳۹۰: ۶۳). عقلانیت حاکم بر تجربه جهاد سازندگی با در مرکز قرار دادن اصالت توأمان فرد و جمع و تعریف مطلوبیت و منفعت فراتر از حداکثر سازی سود مادی در اذهان از عقلانیت اقتصادی عبور می‌کند. در پی تلاش‌های علمای دینی در کنار نیازهای جامعه ایرانی در دنیای مدرن، تبلیغ و اشاعه‌ی ایمان و اعتقاد به اسلام شیعی با تعریف خالق رب، انسان خلیفه‌الله، طبیعت و امانت بودن آن و غایت زندگی غیرمادی و ابدی، ارزش‌ها و باورها را به سمت قدرت عاملیت انسان برای انجام تغییر و هم‌افزایی قدرت عمل جمعی و مشارکتی کشانده شده بود. خدمت به خلق به مثابه عبادت، حب وطن به مثابه نیمی از ایمان، عمل خیر بدون انتظار پاداش مادی به مثابه معامله با خدا، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مثابه تکلیف شرعی و ... ارزش‌های تولیدی اسلام شیعی بود که رفتارهای اجتماعی را به اندازه نیات و اعمال عبادی فردی برجسته نمود. به عبارتی نحوی از قرائت و روایت اعتقادات مذهبی، دین را سازنده قواعد و اصول رفتار اجتماعی کرد.

عقلانیت جهاد نوعی عقلانیت اجتماعی بود که اعتقادات، ارزش‌ها و سنت‌های ایمانی را شامل می‌شد و بنیادی مبتنی بر اخلاق اجتماعی را فراهم کرد. این عقلانیت در مقابل عقلانیت

رایج بود که زمینه گمراهی و عدم توجه به بخش مهمی از واقعیت‌ها را در سیاست‌گذاران و سیاست‌گذاری‌ها پدید آورده است. عقلانیت "انسان اقتصادی" منابع مهمی را که برای فهم ویژگی‌های به هم وابسته و پیچیده اجتماعی لازم است را از نظرها دورنگه داشته است. در نتیجه تبعیت این عقلانیت در سه دهه‌ی اخیر برای ما ارائه توصیه‌های سیاستی متعدد در جامعه بوده که نتایجی غیرمنتظره، ناخوشایند و متضاد با مقاصد و نیت موردنظر انقلاب اسلامی پدید آورده.

### شاخص توانمندی نخبگان قدرت

بصیرت و دانایی برخی از نخبگان سیاسی کلیدی در سطح رهبر انقلاب (امام خمینی) و شهید بهشتی با درک عمیق از فرصت انقلاب، ایمان و باورهای انقلابی اسلامی را تبدیل به نظم‌ساختاری کردند. هرچند اختلاف‌ها همیشه وجود داشت اما رهبری مؤثر توانست سایر بازیگران دارای قدرت را نیز بر سر هدف سازندگی و عدالت، اصل مردمی بودن و مسئولیت‌پذیری با باز گذاشتن میدان قدرت برای رویکردها و جریان‌های مختلف به اجماع برساند. استفاده از نیروی مردمی و به مشارکت گرفتن عام و خواص در جنبه‌های مختلف سیاسی، مالی و اجتماعی به معنای مثبت کلمه استفاده از فرصت‌های تازه آزاد شده بود. امکاناتی که قبل از انقلاب بر محور دین و مذهب یا ملیت به طور پراکنده و حتی واگرا و پنهانی عمل می‌کردند، در ساختار حکومت جمهوری اسلامی جهت تأسیس محیط نهادی رسمی جدید به کار گرفته شدند. قابلیت اجرایی فوق‌العاده‌ای را فراهم کرد. البته قدرت نظارت و لزوم پاسخگویی اداری و مردمی و ایجاد چرخه پاسخگویی وجود داشت که برکنش فعالان میدان قید و محدودیت اعمال می‌کرد. مکانیسم جمع‌آوری اطلاعات منطقه‌ای از افراد بومی در شوراهای ده شهرستان و نیروهای استانی بهره می‌برد، مشارکت حداکثری گروه‌های هدف و ذینفع را فراهم و امکان پیگیری و نظارت مردمی و نخبگانی را هم‌زمان محقق کرده بود.

### شاخص همسویی نهادهای رسمی و غیررسمی (اسلامی - ایرانی)

همسویی نهادهای غیررسمی و رسمی به پشتوانه عقلانیت اجتماعی مشترک و توانایی نخبگان قدرت توضیح‌دهنده چگونگی و فرآیند تحقق پیشرفت است. از توضیح ویژگی‌های ابعاد مختلف

بیان شد در تجربه جهاد سازندگی تکرار و در هم تنیدگی نهادهای رسمی و غیررسمی مشخص گردید. در دو شاخص ابتدایی نیز که از مجموع این ویژگی‌ها استفاده می‌کرد بیان شد چگونه نهادهای غیررسمی باورها، اعتقادات، عرف و سنت، عقلانیت اجتماعی را ساخته و نخبگان قدرت به واسطه ویژگی‌های فردی و جمعی و توانمندی‌های نظری و عملی قادر به تولید قانون و قواعد همسو در عرصه سیاست شدند. تضمین این هم‌راستایی به‌طور عمومی و عمیق به‌عنوان میراث فرهنگی در جامعه با تنظیم نظام پاداش دهی در یک جامعه ممکن است. اگر خدمت بدون مزد جهادگران، به‌جای آنکه به‌مثابه عمل صالح و ارزشمند تلقی شود به‌عنوان حماقت روایت می‌شد، اگر جهادگران مسئولیت‌پذیر و خلاق به‌عنوان افراد خودسر و بی‌نظم خطاب می‌شدند، اگر گروه‌های ذینفع روستایی به‌جای جهادگر از عنوانی منفی استفاده می‌کردند یا اگر حاکمیت جمهوری اسلامی این سیستم را ناکارآمد و بی‌فایده تلقی می‌نمود یعنی نظام پاداش دهی همسو با باورها، ارزش‌ها و اعتقادات موجود نبود. انگیزه‌های جهادی و جهادگران در پی آنکه هیچ‌یا به حد کافی پاداش و برخورداری از این فعالیت نمی‌بردند؛ از این رفته و فعالیت متوقف می‌شد. کما آنکه شد! اگر بنا بر تمرکز بر ناکامی و توقف فعالیت موفق جهاد باشد آنگاه به‌خوبی دیده می‌شود که در پی چرخش ایده‌های بازسازی از رویکرد جهاد سبز، پایدار و عادلانه به‌نوسازی اقتصادی و تعدیل ساختاری، نهادهای رسمی به نحوی دیگر تأسیس شدند و در تعارض با نهادهای غیررسمی جامعه قرار گرفتند

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رسیدن به الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی به‌جز ساحت مبانی فلسفی به‌شدت نیازمند بحث درباره چگونگی است. جایی که ظرفیت‌های بومی مهم است و تاریخ و تجربه‌هایش درس‌های مهمی دارد. نهاد جهاد سازندگی با ویژگی‌های خاصی آن‌طور که در جداول بالا احصا و بیان شد ذیل جایگاه فراقوه‌ای اما خمینی به وجود آمد. امام بود که به جوانان مومن برای حل مسئله میدان داد و در مقابل اصرارهای روسای دولت برای انحلال این نهاد مقاومت می‌کرد. بخش عمده تلاش‌های علمی در مورد تجربه جهاد سازندگی به‌الگو کردن این تجربه در سطح توسعه و ملی نرسیده و امر چگونگی را در اولویت نداشته است. این مقاله چنین هدف مغفولی را وجهی همت

خود داشته و از این نظر بدیع و نوآور است. هر چند که تضاد یا تعارضی با یافته‌های قبلی نیز نداشته و در جهت تجمیع و ارتقای سطح تحلیلی آن شاخص‌ها تلاش کرده است.

به این منظور رویکرد نهادگرایی انتخاب شد چراکه توجه خاصی بر تاریخ و فرهنگ بومی دارد و مسیر پیشرفت را در گرو یادگیری از تجربه‌های گذشته می‌داند. از ویژگی‌های مهم مدل تحلیل استروم آن است که با گذر از دو گانه خصوصی - دولتی بر مدیریت محلی، نقش اختیار و نظارت استفاده‌کنندگان و توافقات غیررسمی آن‌ها تأکید می‌کند. اندیشه‌ای که در ایران تحت عنوان مردمی‌سازی پیگیری می‌شود.

۴ بعد تحلیل استروم عبارت‌اند از: ویژگی بازیگران، ویژگی‌های نهاد، ویژگی خدمات و ویژگی‌های جامعه. این چهار بعد در مورد جهاد سازندگی بررسی شد. مواد این بررسی از تحلیل ثانویه منابع روایی، آماری و تحلیلی در مورد جهاد سازندگی استخراج شد. مبتنی بر چهار بعد ذکر شده نیز سه شاخص برای فهم چگونگی در پیشرفت جهاد سازندگی استخراج می‌گردد؛ که در واقع صورتی جدیدتر و مبتنی بر محتوای بومی از تجربه پیشرفت جهاد سازندگی است.

اولین شاخص در الگوی پیشرفت جهاد با توجه به بوم و تاریخ ایران بانام عقلانیت اجتماعی صورت‌بندی شد. دلیل این نام‌گذاری منزلت عقل و خرد در اندیشه اسلامی و تاریخ ایرانی است. مبنای تفکر و ایمان که از دو مرکز مغز و قلب ساطع می‌شوند، خرد است. لذا تغییر فرهنگی در اندیشه اسلامی ایرانی معرفتی و مبتنی بر عقلانیت ویژه‌ای است. این شاخص سازی از آن جهت که تجربه جهاد در بسیاری از تحلیل‌ها به هیجانان روانی و رفتاری صرف تقلیل می‌یابد ارزشمند است و بدین ترتیب می‌توان عوامل انگیزشی و ارزشی را به شاخصی پایدار و محکم رساند. بعد از این سطح برای عبور از انتزاع به عمل و نتیجه باید به نیروی محرک و بستر مناسب پرداخت. بستری که در نسبت با قدرت، مجری و نظام تدبیر کشور باشد. در اینجا است که نخبگان مطرح می‌شوند. لذا توانمندی نخبگان قدرت با دوسویه دانایی و ظرفیت اجرا به‌عنوان شاخص دوم معرفی شده است. نهایتاً عاملی که این دو تحول را به سمت هدف محقق‌کننده تأسیس و خلق نهادهای رسمی هم‌راستا با نهادهای غیررسمی است. این شاخص‌ها جهاد سازندگی را به نحوی جدید که روند تغییر و چگونگی تحقق آن به مثابه یک الگو را بر ملا کند توضیح می‌دهد؛ یعنی برای شاخص سازی هر کدام

از ویژگی‌های به‌تنهایی و مجزا به‌عنوان شاخص بیان‌نشده است بلکه از این ویژگی‌های برای ساخت شاخص‌هایی که بتواند فرآیند محقق کردن در سطح توسعه ملی را توضیح دهد استفاده شد.

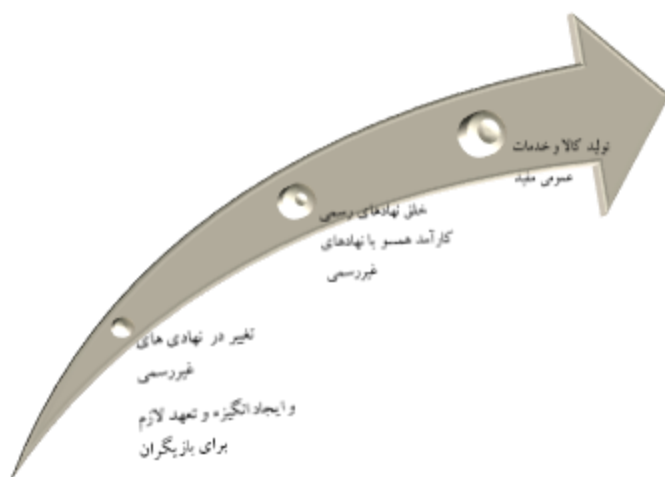
در جدول زیر شاخص‌ها به همراه ابعاد چهارگانه و سنجه‌های پیشنهادی قابل مشاهده است.

جدول ۲. شاخص‌های فرآیندی الگوی پیشرفت جهاد سازندگی بر اساس ابعاد چهارگانه مدل تحلیل نهادی استروم (یافته‌های تحقیق)

سنجه‌های پیشنهادی	ابعاد شاخص				تعریف	شاخص
	خدمت	نهاد	جامعه	بازیگران		
میزان غلبه ارزش‌ها بر منافع در انتخاب‌ها. میزان توجه به اقشار محروم در برنامه‌ها. میزان به حاشیه رفتن بروکراسی. میزان انعطاف‌پذیری ساختارها برای ایجاد زمینه یادگیری جمعی و خلاقیت.	تغییر در اهداف.	تغییر در استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها.	تغییر در ابزارها و فنون.	تغییر در باور، هنجار و ارزش‌ها.	عقلانیت غیر صوری و غیر ابزاری نیز عقلانیت است. عقلانیت اجتماعی را که سویه‌های هنجاری، سیاسی و اخلاقی دارد را عقلانیت اجتماعی گوئیم. عقلانیت اجتماعی مشترک، یک نوع میراث فرهنگی است که بر انتخاب‌های جمعی قید می‌زند. این عقلانیت ناشی از ترجیحات و منافع فردی نیست.	۱- تغییر عقلانیت اجتماعی از منفعت‌گرایی به ارزش‌مداری.
توان نخبگان در ایجاد قواعد لازم برای باز کردن میدان قدرت. توان نخبگان	مشارکت حداکثری گروه هدف.	باز شدن میدان قدرت.	گذر از فرمان-پذیری به اصلاح-گری.	دانش عملی و توانایی اجماع	توانمندی هر دو جنبه دانایی و عملکردی را در برمی‌گیرد. آگاهی و دانش نخبگان	۲- تغییر در توانمندی نخبگان قدرت

شاخص	تعریف	ابعاد شاخص				سنجه‌های پیشنهادی
	سیاسی در انتخاب مدل درست پیشرفت در یک فرصت تغییر در کنار توانایی اجماع، اجزاء و عناصر این شاخص را تشکیل می‌دهند.					سیاسی در ایجاد قواعد مشارکت مردم در سطوح مختلف تصمیم - گیری تا اجرا. توان نخبگان سیاسی در ایجاد اجماع میان بازیگران مختلف. انگیزه نخبگان برای اصلاح جامعه.
۳- همسویی نهادهای رسمی و غیررسمی.	نهادهای رسمی اجتماعی برای تحقق نیازمند همسویی با نهادهای غیررسمی در باور نخبگان سیاسی و مردم و میراث فرهنگی آن اجتماع دارند. این همسویی یعنی نظام پاداش دهی، نظام انگیزه‌ها، نظام برخورداری ها هماهنگ شده و هزینه‌های تغییر کاهش می‌یابد.	تطابق قوانین رسمی با باورهای مشترک.	خلق فناوری نرم و نوآوری - های اجتماعی.	همسویی اهداف برنامه‌ها با خواسته - های مردم.	میزان رعایت اخلاق، ولایت، مداری، فسادستیزی و ... در نخبگان سیاسی. میزان تطابق نظام انگیزه‌ها با نظام پاداش‌ها در جامعه. میزان نیاز به استفاده از زور و خشونت برای اجرای قوانین. توجه نهادهای رسمی به رضایت مردم از عملکرد خود.	

شاخص	تعریف	ابعاد شاخص			سنجه‌های پیشنهادی
					میزان گرایش به نوآوری بومی و نه تقلید از دیگران در مدیریت کلان کشور.



شکل ۳. شاخص‌های فرآیندی الگوی پیشرفت جهاد سازندگی (یافته‌های تحقیق)

در این پژوهش، سعی شد با ترکیب مفاهیم و نظریه‌ی اجتماعی با تاریخ، ایجاد و نزع یک نهاد انقلابی به مثابه الگوی پیشرفت بومی از منظر دانش چگونگی تبیین شود. در عین آنکه نقش نهادها و انسان‌ها در این فرآیند را مورد بررسی قرار گرفت، انتقال به سطح و چارچوب جدیدتر تحقیق برای توضیح مکانیسم اثر مولفه‌های متنوع موجود دغدغه اصلی بود. سه شاخص ویژگی‌های عقلانیت اجتماعی، توانمندی نخبگان قدرت و همسویی نهادهای رسمی و غیررسمی استخراج شده در پژوهش، می‌تواند به صورت‌بندی نظری و برنامه‌های عملی الگوی توسعه و پیشرفت بومی کشور کمک کند.

## Reference

- Aram, Yousef (2003). History and Culture of Jihad-e-Sazandagi in Hamadan Province (1979-1984). Hamadan: Payam Adalat. [In Persian]
- Danaeifard, Hassan, Bagheri Kani, Misbah-ul-Hada, Hejazifar, Saeed, (2015). Identifying the components of virtue-oriented and jihadi organizations, Islamic Management Research Quarterly, 23(4). [https://im.ihu.ac.ir/article\\_201836.html](https://im.ihu.ac.ir/article_201836.html) [In Persian]
- Eftekhari Haiar and Allahvari Mohammad Sadeh .(2015). Identifying the Organizational Intelligence of Agriculture Jihad Organization in Guilan Province. Iran. International Journal of Agricultural Management and Development (IJAMAD). Volume05. Issue4. 295 – 304. 10.22004/ag.econ.262521.
- Farhadi, Mohammad Reza, Nouri, Fathali, Chahar Aiin, Boroumand, (2009), Investigation of the causes of the influence of Jihadi culture and management on the bureaucratic system, Second National Conference on Jihadi Culture and Management, Tehran: Ministry of Jihad and Agriculture. [In Persian]
- Farhadi, Morteza, (2016), The Culture of Helping in Iran: An Introduction to the Anthropology and Sociology of Cooperatives - Volume One: Traditional Helping in Irrigation and Farming, Tehran: Daneshaghi Press. [In Persian]
- Ghademarzi, Hamed & Ataei. Pouria & Karimi, Hamid & Norouzi, Arash. (2020). The learning organisation approaches in the Jihad-e Agriculture Organisation, Iran. Knowledge Management Research & Practice. 20. 1-11. 10.1080/14778238.2020.1767520.
- Ghaedali, Hamid Reza, Ashouri, Mehdi, (2014), Jihadi Management: A Realized Method of Islamic Management, Quarterly Journal of Cultural Engineering, 9(82): 67-83.
- Ghafelebashi, Mojtaba, Tabatabaei Seyed Alireza, Rafiei, Seyed Hossein, Hassani, Seyed Hamzeh, Hajipour, Hamed, Amini, Saeed, (2019), Long Live Jihad: Ten Stories from the Leaders and Pioneers of Jihad-Building, Tehran: Rah Yar. [In Persian]
- Haghighi, Jomhur, (2009), Study of the formation of Jihad-building and Jihad management in strengthening and developing society and popular participation, Second National Conference on Jihad Culture and Management, Tehran: Ministry of Agricultural Jihad. [In Persian]
- Hassani, Mojtaba, Shahbabaei Ashtiani, Amin, (2016), Jihadi Economy: A Review of the Economic Experience of Jihad-e-Sazandegi. Tehran: Student Mobilization of Imam Sadeq University. [In Persian]
- Irvani, Mohammad Javad, (1998), Institutionalism and Jihad-e-Sazandagi, Tehran: Mushtaqan Fallah, Ministry of Jihad-e-Sazandagi, General Directorate of Public Relations. [In Persian]
- Jafarnejad, Navid (2012). A narrative of the formation of Jihad-e-Sazandagi in Iran. Khorasan News website. Cultural supplement. News ID: 18337.
- Jung, Elke (2011). Culture and Economics: On Values, Economics, and International Business. Translated by: Soheil Sami and Zohreh Hosseinzadegan. Tehran: Qoqhnous.
- Katouzian, Mohammad Ali, (2012), Iranians from Ancient to Contemporary Times, translated by Hossein Shahidi, Tehran: Markaz Publication.
- Khalqani, Jafar, Ebrahimpour, Mohsen, (2007), Institutional-normative approach to Jihad-building, First National Conference on Jihad Culture and Management, Tehran: Ministry of Agricultural Jihad. [In Persian]
- Khorasan Razavi Agricultural Jihad (2006), Bastion Makers Without Bastion. Mashhad: Khorasan Razavi Agricultural Jihad. [In Persian]

- Lob, E. (2016). The Islamic Republic Of Iran's Foreign Policy and Construction Jihad's Developmental Activities in Sub-Saharan Africa. **International Journal of Middle East Studies**, 48 (2), 313–338. <http://doi.org/10.1017/S0020743816000064>
- Lob, E. (2018). Construction Jihad: state-building and development in Iran and Lebanon's Shi'i Territories. **Third World Quarterly**, DOI: 10.1080/01436597.2018.1460197.
- Lob, E. (2020 ). **Iran's Reconstruction Jihad: rural development and regime consolidation after 1979**, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Mashayekhi, Ali, Hosseini, Mohammad Reza, Jafari, Mohsen, (2019), The Tradition of Jihad, Experiences of Collective Work in the Constructive Jihad Narrated by Hossein Ali Azimi. Prepared by the Oral History Unit of the Islamic Revolution Cultural Front Studies Office, Tehran: Yar. [In Persian]
- Ministry of Construction Jihad, (1994), Collection of lectures and articles presented at the first scientific-practical seminar on administrative transformation in Construction Jihad, Tehran: Ministry of Agricultural Jihad. Secretariat of the Administrative Transformation Headquarters. Summer, November 10 and 11.
- Ministry of Construction Jihad, (1998), Partovi from the Construction Conference and the Conference of Senior Managers of the Ministry of Construction Jihad, Publisher: Ministry of Construction Jihad - General Directorate of Public Relations.
- Motavasali, Mahmoud, Allahmorad, Seif, Mohajeri, Mirsaeed, (2013), Indigenous Development, a Necessary and Fundamental Change, Quarterly Journal of Planning and Budgeting, 18 (3): 133-160. [In Persian]
- Motavasali, Mahmoud, Beigi Harchegani, Esmaeil, Farahini Farahani, Behrad, (2019), Application of Elinor Strom's Institutionalism in Development Planning, Journal of Program and Development Research, (3): 10-35. [In Persian]
- Motavasali, Mahmoud, Rostamian, Ali, (2017). Subjectivism, Intersubjectivity and Creative Action in the Austrian School, Journal of Economic Research, 17(64): 1-32. [In Persian]
- Motegi, Morteza, (2017), The role of the jihadi model in deepening the roots of youth identity, Cultural Strategy, (39): 123-155. [In Persian]
- Movahed, Khosrow, (2007), Explaining the Characteristics of Jihadi Management. The First National Conference on Jihadi Culture and Management, Tehran: Ministry of Agricultural Jihad.
- Najafi, Hossein, (2015), Building a Bastion Without a Bastion; Memories of Jihadists in War, Foundation for Preservation of Works and Propagation of the Values of Sacred Defense of East Azerbaijan Province.
- Narimani, Morteza (2001), Al-Sarraj Al-Munir (Volumes 1-4) (Banter Builders Without a Batten: 9-12). Zayandeh-Roud (Isfahan) and Isfahan Province Agricultural Jihad, Sacred Defense Information Center.
- Narimani, Morteza (2003), Al-Sarraj Al-Munir (m) (Banter-builders without a barricade; 15) / Morteza Narimani / Zayandeh-Roud (Isfahan) and Agricultural Jihad of Isfahan Province, Sacred Defense Information Center.
- North, D.C. (2005). **Understanding the process of economic change**. NJ: Prinecton University Press. pp 9-38.
- North, Douglas C., (2018), Institutions, Institutional Change, and Economic Performance, translated by Mohammad Reza Moeini, Tehran: Planning and Budget Organization.
- Ostrom, E. (2007). Collective action and local development processes. **Journal of sociological**, 3(1). <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:143218377>
- Qaedali, Hamid Reza, Mosharraf Javadi, Mohammad Hossein, (2014), Organizational culture resulting from jihadi management; a case study of Jihad al-Sazandegi in the Holy Defense, Quarterly Journal of Cultural Engineering, 8 (79): 63-78. [In Persian]

- Qaedali, Hamid Reza, Mushraf Javadi, Mohammad Hossein, (2014), Studying the characteristics of jihadists in terms of spiritual intelligence components, *Basij Strategic Studies Quarterly*, 17(64): 97-117. [In Persian]
- Rafipour, Faramarz, (1993), Measuring the tendency of villagers towards Jihad-e-Sazandegi (research in three provinces of Isfahan, Fars and Khuzestan), Tehran: Center for Research and Study of Rural Issues.
- Rezagholi, Ali (2019). If North was Iranian! A commentary on history, politics, economy and culture in Iran. Tehran: Institutional.
- Rezvandi, Mohammad Amir, Sahabi, Bahram, Momeni, Farshad, Yavari, Kazem, (2016), An Exploration in the Definition of Institution: An Evaluation of Recent Alternative Approaches in the Definition of Institution, *Budget Planning*, 20 (4): 185-210. [In Persian]
- Rouhollahi, Mehdi, Tabatabaeian, Habibollah, Moteghi, Manouchehr, Bamdad Sofi, Jahaniar, (2018), Innovation Formation Model in Constructive Jihad, *Islamic Management Research Quarterly*, 26 (2).DOR: [20.1001.1.22516980.1397.26.2.6.9](https://doi.org/10.1001.1.22516980.1397.26.2.6.9) [In Persian]
- Sadr-e-Sadat, Seyed Ali, (2009), Presenting a conceptual model for recognizing Jihad-e-Sazandagi as a practical model of an ethical organization, Second National Conference on Jihad Culture and Management, Tehran: Ministry of Agriculture. [In Persian]
- Sarukhani, Baqer, (2003), Research Methods in Social Sciences, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Shakuri, Ali, (2007), Studying the role of Jihad-e-Sazandagi in rural development, First National Conference on Jihad Culture and Management, Tehran: Ministry of Jihad and Agriculture. [In Persian]
- South Khorasan Agricultural Jihad, (2007), Advice and Tips from Veterans: Memories of Retirees of the Khorasan Province Agricultural Jihad Organization, Bastions Without Bastions. [In Persian]
- Strom, Eleanor, (2016), Beyond Markets and States: The Polycentric Governance of Economic Systems, translated by Mahmoud, A Look at Alternative Approaches: Institutionalism and the Austrian School, Paqih, Tehran: Imam Sadeq University Press, 2nd edition. [In Persian]
- Strom, Elinor, (2015), Understanding Institutional Diversity, translated by Seyyed Jamal-eddin Mohseni-Zanozi, Tehran: Imam Sadeq University. [In Persian]
- Sunderlaab, Eric, (2017), Organizational History of Iran's Jihad-e-Sazandagi from Establishment to Institution Building (1979-2019). Collection of Research Reports on the Institutions of the Islamic Revolution from a Western Perspective. Translated by: Hadi Jafari and Mohsen Jafari, Tehran: Imam Hussein University. [In Persian]
- Vatani, Reza (2015). The Sentry Builders Without a Sentry: The Performance of the 15th Vali-Asr Combat Engineering Battalion in Support of the Jihad-e-Sazandagi War in Semnan Province in Eight Years of Sacred Defense. Publisher: Aminan.
- Zarei, Arman, (2014), New Sociological Institutionalism; An Approach to Analyzing Stability and Change, *Methodology of the Humanities*, 19(77):165-193. [In Persian]
- Zohorian Abu Torabi, Meysam, (2018), Discovering the Management Pattern of Popular Volunteer Forces in the Jihad of Construction (1979 to 1989), defended with honors at Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Zohorian Abu Torabi, Meysam, Mortazavi, Saeed, Lagzian, Mohammad, Farahi, Mohammad Mehdi, (2018), Discovering the factors affecting the transformation of the Jihad-e-Sazandagi institution: A network analysis of themes, *Basij Strategic Studies Quarterly*, 21 (78): 121-127. [In Persian]
- Zohorian Abu Torabi, Meysam, Mortazavi, Saeed, Legzian, Mohammad, Farahi, Mohammad Mehdi, (2017), Identifying the components of jihadi organizational culture based on the

■ واکاوی الگوی پیشرفت حاکم بر جهاد سازندگی: با تأکید بر چارچوب تحلیل نهادی استروم

experience of jihad-building managers, Islamic Management Scientific Research Quarterly, 26(1): 147-183. DOR: [20.1001.1.22516980.1397.26.1.6.7](https://doi.org/10.22516/980.1397.26.1.6.7) [In Persian]

